

پدیده رهبری: ضرورت و اهمیت

گروه مدیریت - محسن عابدی جعفری

چکیده

در این مقاله کوشش شده است تا ضرورت و اهمیت رهبری از دو دیدگاه تمدن معاصرو مکتب اسلام، تشریح و تبیین گردد. توجه علوم انسانی و اجتماعی از یک سو و تأکید منابع اصیل اسلامی از طرف دیگر، به عنوان شواهدی بر ضرورت و اهمیت رهبری از دیدگاه تجربه، عقل، علم، کتاب و سنت آورده شده است. سرانجام، چنین نتیجه گیری شده که رهبری از هر یک از این دیدگاهها، به عنوان نیازی راستین، که ریشه در اعماق فطرت بشر دارد از اهمیتی والا برخوردار است.

مقدمه

عرصه حیات اجتماعی بشر، هیچگاه از پدیده رهبری خالی نبوده است. رهبری، آنطور که همه آن رامی شناسند، آنقدر مشهود و ملموس است که بی نیاز از معرفی است. در هر یک از بخشهای قلمرو فعالیت‌های اجتماعی انسان، خواه فرهنگی باشد یا دفاعی، اقتصادی، و یا اداری، این پدیده حضور و ظهوری بسیار چشمگیر دارد. همچنین در سطوح و مراتب گوناگون هر جامعه، از جمع محدود دو انسان گرفته تا بالاترین و وسیعترین اجتماعات و در سطح بین ملتها، پدیده رهبری بروزی بسیار پررنگ دارد. وسعت قلمرو، و کثرت ظهور از یک طرف و جذابیت نفس موضوع از جانب دیگر، رهبری را چنان مورد عنایت بشر قرار داده است که در کمتر موضوعی همانند آن رامی توان ملاحظه کرد. به علاوه، آدمی دو نکته را نیز به تجربه درباره این پدیده دریافته است که:

- ۱- در هر کجا که رهبری نیست، کارها عموماً "به سرانجامی نیکو نمی رسد.
 - ۲- با وجود رهبری شایسته، انجام امور معمولاً "به کمالی شایسته منتهی می شود.
- به دنبال این تجربه و مشاهده عینی، تلاش بشریت برای شناخت چنین پدیده‌ای در وهله اول، و تکاپوی او در مجهز ساختن خویش بدان در درجه دوم، و اصرار وی بر استفاده و بهره برداری کاملتر از آن، کاملاً "منطقی و توجیه پذیر می نماید.

الف- رهبری از دیدگاه غرب

توجه بشر به موضوع رهبری را، اندیشمندان و صاحب‌نظران این رشته به زبانهای گوناگون ابراز داشته‌اند. یکی از دانشمندان در این باره می‌نویسد:

«احتمالاً، در باب رهبری، بیش از هر موضوع مستقل دیگری، تحقیقات رسمی مکتوب، و بحثهای غیر مکتوب به عمل آمده است.»

بررسی یکی دیگر از دانشمندان این رشته نشان می‌دهد که تنها در ایالات متحده، شمار پژوهشهای انجام گرفته در این حوزه از مرز ۵۰۰۰ مورد تجاوز می‌کند. به علاوه سیر مطالعه موضوع، با گذشت تدریجی زمان، شتابی فزاینده‌تر را خبر می‌دهد. آمار این مطالعات در مقطع منتهی به نیمه اول قرن حاضر در صفحه ۵۰ مجسم گردیده است.

در واقع، مقوله رهبری به لحاظ گستردگی ابعاد آن، هم در عرض و پهنة فعالیت‌های اجتماعی انسان، و هم در طول و عمق اجتماعات انسانی، چنان ابعادی را به خود گرفته که موضوع همه علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. یکی از متفکرین در این باره خاطر نشان می‌سازد که: «مفهوم رهبری، یکی از موضوعاتی است که در رشته‌های متعدد، پیوسته توجه اندیشمندان را به خود جلب نموده، و پژوهشهای فراوانی را به دنبال آورده است. دانشمندان و دست‌اندرکاران علوم نظری و عملی اجتماعی از قبیل اقتصاد، بازرگانی، تاریخ، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، فلسفه، مردم‌شناسی، مدیریت و بیشتر علوم میان رشته‌ای، چندرشته‌ای، و پاره رشته‌ای رهبری را به عنوان پدیده‌ای در خور توجه اساسی قلمداد نموده‌اند.

ب- از دیدگاه اسلام

در مکتب اسلام، با پدیده رهبری، به طبیعی‌ترین شکل ممکن برخورد شده است. اهمیت و ضرورت این مفهوم، با پرمغزترین عبارات در حیات اجتماعی انسانها تبیین گردیده است.

در قرآن کریم، در متجاوز از صدها مورد و به گونه‌ها و الفاظ گوناگون بر نقش و تأثیر رهبری پافشاری شده است. تعبیراتی چون هدایت، نبوت، رسالت، ولایت، امامت، و دهها تعبیر دیگر سراسر قرآن کریم را در بر می‌گیرد.

از طرفی، احادیث وارده از رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) نیز مبین و مؤید همین

زمینه موجود در قرآن کریم است.

که به ذکر چند نمونه از آنها مبادرت می‌گردد:

۱- رسول اکرم (ص) اعمال رهبری را در ساده‌ترین شکل اجتماعی انسان تأکید نموده‌اند. در یک گروه سه نفری در حال سفر که به لحاظ ساختار، از سست‌ترین اجتماعات انسانی به حساب می‌آیند، ایشان می‌فرمایند:

اذا كان ثلاثة في سفر، فليو مروا احدهم.

هرگاه سه نفر با هم سفر شدند، باید که یکی را از میان خود به امیری (رهبری) برگزینند.

۲- امام رضا (ع) در حدیثی مفصل، ابعاد گوناگون رهبری و از آن جمله ضرورت

و اهمیت این پدیده را تشریح نموده، می‌فرماید:

...أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ، وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَّةِ، يَقْوَأُ عَاشُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَرَيْسٍ، لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ، فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالْدُنْيَا.

ما در مطالعه احوال بشر، هیچ فرقه‌ای از فرقه‌ها و هیچ ملتی از ملت‌ها را نیافتیم که در زندگی پایدار، و از نعمتهای حیات برخوردار بوده باشند، جز در پرتو رهبر و سرپرستی که امور دین و دنیای آنها را هدایت نماید.

۳- امام علی (ع) در برخورد با خوارج و ایدۀ انحرافی آنان مبنی بر اشاعه و حمایت

خلاء رهبری، آن را ضرورت اجتناب ناپذیر حیات بشر تلقی نموده و فرده‌اند:

... و انه لا بد للناس من امير، بر او فاجر.

انسانها هیچ‌گاه گزیری از داشتن رهبر ندارند، خواه نیکوکار باشد این رهبر یا تبهکار.

۴- امام صادق (ع) نیز هیچ اجتماعی را بی نیاز از رهبری ندانسته‌اند و فقدان رهبری را

مایه ضعف و موجب بروز پریشانی و هرج و مرج در جامعه قلمداد نموده‌اند:

لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَدَدٍ عَنِ ثَلَاثَةِ،

يَفْرَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ،

فَإِنْ عَدَمُوا ذَلِكَ، كَانُوا هُمَجًا.

فَقِيَهُ مَالِمٌ وَرَعٌ، أَمِيرٌ خَيْرٌ مَطَاعٌ، وَطَيِّبٌ بَصِيرٌ نَفَقَةٌ.

مردم هیچ جامعه‌ای در انجام امور دنیا و آخرتشان بهیچوجه بی نیاز از سه گروه نیستند، تا

این امور را از طریق آنان به انجام برسانند؛ هرگاه جامعه‌ای فاقد این سه دسته (رهبری)

گردد، اعضای آن به صورت حیوانات ضعیفی که درهم می‌لولند در خواهند آمد. (و این

سه گروه عبارتند از: فقیهی دانشمند و پرهیزگار، امیری خیرخواه و مقبول، و طیبی خیره و

موردا اعتماد.

علاوه بر معصومان (ع) پیوندگان راه ایشان نیز بر ضرورت و اهمیت رهبری تأکید

ورزیده‌اند.

۱- امام خمینی (ره) در مقام تبیین شاخه‌ای از رهبری اجتماعی اسلام (ولایت فقیه)، آن را از موضوعاتی قلمداد می‌کنند که صرف تصور، موجب تصدیق آن می‌شود، و آن را آنچنان بدیهی و ضروری می‌دانند که به برهان نیاز ندارد. ایشان اضافه می‌کنند که هر کس عقاید و احکام اسلامی را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به رهبری اجتماع برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد.

۲- استاد شهید مرتضی مطهری در بیان تأثیر و منزلت رهبری چنین می‌نویسد: «امامت و رهبری انسانها، چه در بعد معنوی و الهی، و چه در بعد اجتماعی، عالیترین درجه، مقام و پستی است که از طرف خدا به یک انسان واگذار می‌شود.^۱ و در جای دیگر خاطر نشان می‌سازند: «دنیای امروز به مسأله رهبری و مدیریت، تنها از جنبه اجتماعی می‌نگرد، یعنی تنها این جنبه و این بعد را شناخته است. ولی همین را که شناخته است، بسیار اهمیت می‌دهد، و به حق اهمیت بسیار می‌دهد.

ایشان، اهمیت مسأله را از دیدگاه اسلام آنقدر زیربنایی و حیاتی دانسته‌اند که می‌نویسند: مسأله دیگر، مسأله نیاز به رهبر و رهبری است، که این بیت القصیده و زیربنای تعلیمات انبیاست. در کنکاشی عمیقتر، شهید مطهری (ره) به ریشه‌یابی چرایی این ضرورت و اهمیت در ساختار و سرشت انسان پرداخته، نیازمندی انسان به رهبری و اهمیت فوق‌العاده آن را چنین بیان می‌کنند: «اهمیت فوق‌العاده رهبری بر سه اصل مبتنی است.

اصل اول مربوط است به اهمیت انسان و ذخائر و نیروهایی که در او نهفته است، که معمولاً خود به آنها توجه ندارد. در اسلام به مسأله متوجه کردن انسان به خود، به عظمت و شرافت خود و نیروهای عظیمی که در اوست توجه شده است. اصل دوم مربوط است به تفاوت انسان و حیوان. انسان با اینکه از نظر نیروها مجهزترین موجودات است،... از نظر غرایزی که او را از داخل خود هدایت و رهبری کنند، فقیرترین و ناتوان‌ترین موجود است. لهذا به رهبری و مدیریت و هدایت از خارج نیاز دارد. اصل سوم مربوط به قوانین خاص زندگی بشر است. یک سلسله اصول بر رفتار انسان حکومت می‌کنند که اگر کسی بخواهد بر بشر مدیریت داشته باشد، و وی را رهبری کند، جز از راه شناخت قوانینی که بر حیات و پرروان زندگی بشر حاکم است، میسر نیست. پس بشر موجودی است که به یک سلسله نیروها مجهز است، و به هدایت و رهبری، و به پیشوا و پیشوایی نیازمند است. موجودی است که رهبری و به حرکت درآوردن و بهره‌برداری از نیروهای وی، تابع

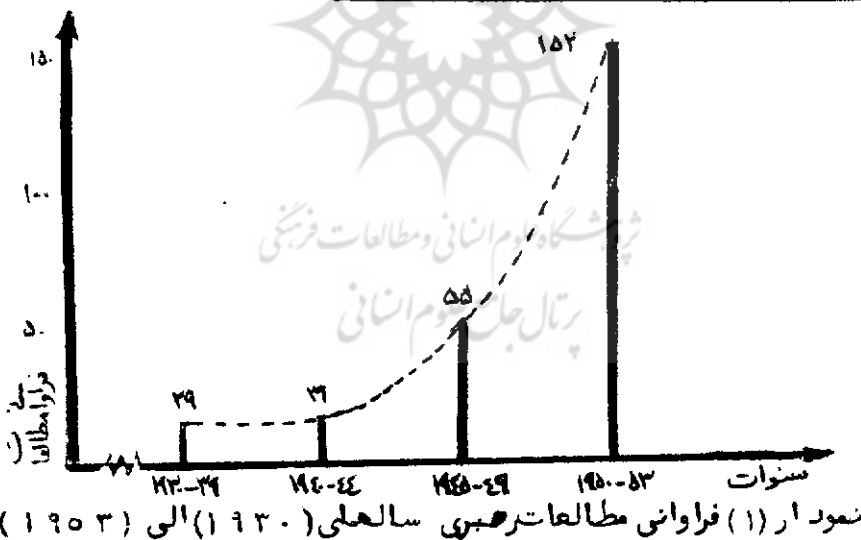
۱ «مدیریت و رهبری در اسلام» در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر. شهید مرتضی مطهری (ره). انتشارات صدرا، تیر ۱۳۵۴، ص ۶-۱۳۳.

یک سلسله قوانین بسیار دقیق و ظریف است که شناخت آن قوانین، کلید راه نفوذ در دلهای مسلط شدن بر انسانهاست.»

نتیجه

بطور خلاصه می‌توان چنین عنوان کرد که مشاهدات عینی، نمونه‌های تاریخی و توجه دانشمندان گذشته و معاصر در تمام عرصه‌های علوم اجتماعی و انسانی به مقوله رهبری مجموعاً حاکی از آن است که این پدیده در حیات اجتماعی بشر، از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است.

منابع اسلامی ما نیز گواهی بر آنند که نفس رهبری از نظر این مکتب و صرف نظر از ماهیت اعتقادی جوامع انسانی، پدیده‌ای است گریزناپذیر. جوامع، ناگزیر از داشتن رهبرند و نبود و خلاء رهبری قابل تحمل نیست. بداهت و ضرورت این امر برای کسانی که اعتقادی ولو اجمالی هم به اسلام داشته باشند، روشن است. به علاوه ریشه دار بودن ضرورت و اهمیت رهبری در اسلام تا آنجاست که شالودهٔ بعثت انبیاء (ع) بر آن استوار است، و خلاصه اینکه: رهبری نیازی اصیل و راستین است که ریشه در عمق فطرت نوع انسان دارد و به این اعتبار به حق بسیار حائز اهمیت است.



منابعی برای مطالعه بیشتر

- ۱- قیام و انقلاب مهدی (عج). شهید مرتضی مطهری (ره). انتشار صدر. چاپ هفتم، خرداد ۱۳۶۷.
- ۲- دیباچه‌ای بر رهبری. ناصرالدین صاحب‌الزمانی. مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، چاپ سوم، اردیبهشت ۱۳۴۸، ص ۴۴-۲۷.
- ۳- نگرشی بر مدیریت اسلامی. سید رضا تقوی دامغانی. مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۸، ص ۵۵-۴۵.
- ۴- کنزالاعمال، ج ۶ ص ۷۱۷، خبر ۱۷۵۵۰.
- ۵- بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی. ج ۲۳، ص ۳۲.
- ۶- نهج البلاغه. حضرت علی (ع). خطبه ۴۰.
- ۷- تحف العقول. ص ۳۲۱.
- ۸- ولایت فقیه. امام خمینی (ره)، واحد تحقیقات اسلامی، ص ۷.
- ۹- ۱۰-۱۲- «مدیریت و رهبری در اسلام»، در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر. شهید مرتضی مطهری (ره). انتشارات صدر، ۱۳۵۴، ص ۱۳۳-۶.
- ۱۱- امامت و رهبری. شهید مرتضی مطهری (ره). انتشارات صدر، قم، چاپ اردیبهشت ۱۳۶۴، ص ۲۱۱-۲۱۰.

1. Organizational Behavior, Fred luthans.

Me Graw - Hill, 1987. P. 470.

2. Handbook of leadership, R. Stogdill.

New york, Free Press, 1974. P. XL.

3. The Principalship: Foundations and Functions.

James M. Lipham and James Jr. A. Hoeh.

New york, Harper and Row, 1974.